

باسمه تعالی

- مقام دوم: اجماع مرکب ۱
- صورت اول: نفی قول سوم بر تقدیر رفع ید از قول خود ۱
- صورت دوم: نفی قول فقط از باب اختیار قول خود ۲

موضوع: حجج و امارات / مبحث امارات / اجماع / اقسام اجماع

مقام دوم: اجماع مرکب

اجماع مرکب این است که علمایی که اتفاق دارند بیش از یک قول داشته باشند، که هر قول مورد اتفاق نیست اما در نفی قول دیگر اتفاق دارند. به عنوان مثال نسبت به حکم نماز جمعه در عصر غیبت، فقهاء دو دسته هستند: برخی فتوا به وجوب تعیینی نماز جمعه و برخی فتوا به وجوب تعیینی نماز ظهور داده‌اند، و کسی فتوا به وجوب تخییری بین آنها نداده است. دو طائفه علماء اجماع دارند بر نفی وجوب تخییری نماز جمعه و نماز ظهر؛ سوال این است که آیا اجماع مرکب دلالت بر نفی قول ثالث دارد؟ یعنی آیا عدم وجوب تخییری ثابت می‌شود؟

اجماع مرکب را به دو قسم تقسیم کرده‌اند: اول اینکه هر گروه از مجمعین قول ثالث را نفی می‌کنند حتی اگر از قول خود دست بردارند. به عنوان مثال قائلین به وجوب تعیینی نماز جمعه، قائلند حتی اگر وجوب تعیینی نداشته باشد وجوب تخییری نداشته بلکه وجوب تعیینی نماز ظهور است. طائفه دیگر نیز همینطورند که اگر از قول خود رفع ید نمایند قائل به وجوب تخییری نمی‌شوند.

دوم اینکه اگر گروه اول از قول خود رفع ید نمایند، قائل به وجوب تخییری شده یا می‌گویند ممکن است قائل به وجوب تخییری شویم یعنی اینگونه نیست اگر از قول خود رفع ید نمایند، حتماً قائل به وجوب تعیینی نماز ظهور شوند. همینطور طائفه دوم. یعنی قول سوم را علی تقدیر رفع ید از قول خود نیز رد نمی‌کنند.

صورت اول: نفی قول سوم بر تقدیر رفع ید از قول خود

در این صورت اجماع مرکب بر هر سه مبنی معتبر است؛ زیرا بنا بر قاعده لطف باید شارع ابراز خلاف نماید تا خلاف لطف نشود؛ و بنا بر مبنای عقل نظری نیز با حساب احتمالات، قول سوم باطل خواهد بود؛ اما بر مبنای سوم نیز اگر در واقع نماز جمعه وجوب تخییری داشته باشد لازم می‌آید اتفاق امت بر ضلالت. پس این اجماع نفی می‌کند قول سوم را.

صورت دوم: نفی قول فقط از باب اختیار قول خود

در این صورت اجماع مرکب بنا بر مبانی متفاوت می‌شود: بنا بر قاعده لطف این اجماع معتبر است زیرا همه اتفاق دارند بر عدم وجوب تخییری لذا باید شارع از باب لطف ایجاد اختلاف نماید؛ بر مبنای تعبد نیز اجماع معتبر است زیرا اگر حکم واقعی همان وجوب تخییری باشد امت اجتماع بر ضلالت کرده‌اند؛ اما بنا بر حساب احتمالات اجماع معتبر نیست زیرا علم داریم لا اقل یکی از دو طائفه خطا کرده‌اند و یک قول باطل است. از سویی هر دسته گفته‌اند بنا بر صحت قول ما، قول سوم نفی می‌شود. لذا تعداد مجمعین نصف شده است (حتی ممکن است کمتر هم بشود، یعنی اگر نصف فقهاء فتوا داده باشند به قول اول و نصف به قول دوم)، و به لحاظ کیفی نیز مشکل وجود دارد، زیرا در حساب احتمالات تعارض از عوامل کیفی است. یعنی احتمال صحت را تضعیف می‌کند. اگر یک نفر بگوید زید مرده است، ارزش احتمالی آن نصف این است که دو نفر بگویند زید مرده است. اکنون اگر دو نفر خبر از موت زید داده، و دیگری خبر از حیات وی دهد، احتمال قول دو نفر مساوی قول یک نفر هم نیست بلکه کمتر است (یعنی نباید گفته شود یک نفر از آنها با دیگر تعارض کرده، و یک نفر که خبر از موت زید داده باقی بماند). یعنی احتمال اصابه خبر یک نفر که معارض ندارد، بیش از خبر دو نفر است که یک معارض داشته باشند. پس معارضه عامل کیفی است.

در بحث ما نیز ۵۰ نفر وجوب تعیینی جمعه و ۵۰ نفر وجوب تعیینی ظهور را فتوا داده‌اند. در این صورت اگر فقط ۵۰ نفر فتوا به وجوب تعیینی ظهور دهند بدون معارض، ارزش آن فرض شود ۵۰ درصد است؛ اما اکنون که با ۵۰ فقیه دیگر معارضه دارد، ارزش آنها مثلاً ۲۵ درصد است. پس تعارض کیفی است نه اینکه عامل کمی باشد و تعداد حساب شود. عامل کمی قابل اندازه‌گیری است اما عامل کیفی قابل اندازه‌گیری نیست. به عنوان مثال اگر سکه طوری است که یک طرف بیشتر روی زمین باشد، نمی‌توان درصد داد.

بنابراین در این صورت، ارزش احتمالی نفی قول سوم ۵۰ درصد هم نیست بلکه کمتر از آن است.

در نتیجه اجماع مرکب فقط بنا بر قاعده لطف و تعبد معتبر است.